

مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه

عیسی امیران بخشایش،* علیرضا باریکلو**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۸/۲۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۲/۷/۵

«اصل جبران خسارت» به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در قرارداد بیمه خسارت، دارای نقش موضوعی است و نیز قلمرو موضوعی گسترده‌تری نسبت به مفهوم خسارت در مسئولیت مدنی دارد. این اصل متضمن دو جلوه است؛ نخست اینکه به موجب این اصل، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارتی است که در نتیجه وقوع حادثه مورد بیمه بر اموال بیمه‌گذار در بیمه اموال و بر اشخاص در بیمه مسئولیت وارد شده است. لذا، جبران خسارت باید زیان دیده را در وضعیتی که قبل از وقوع حادثه داشته قرار دهد. در واقع مطابق این اصل، خسارت وارده باید به تمامی و به نحو مطلوب جبران شود که به بُعد اثباتی نیز معروف است. دوم اینکه جبران نباید موجب افزایش دارایی زیان دیده شود و بیمه نباید هرگز به صورت منبع انتفاع برای زیان دیده درآید (جنبه منفی). به هر حال، هر چند این اصل دارای دو رویکرد متفاوت یا مثبت و منفی است، اما در مقام اجرا و اعمال آن لازم است رویه قضایی بر بُعد اثباتی آن اعتماد و تکیه کند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. این اصل از اصول آمره قراردادهای بیمه خسارت است که در اجرای آن، بیمه‌گران تعهد دارند که خسارت واقعی (ارزیابی شده) زیان دیدگان را طبق مفاد و شرایط بیمه‌نامه صادر شده، حداکثر تا سقف تعهدات بیمه‌ای جبران کنند. در این مقاله سعی شده است به این پرسش اصلی و بنیادین در خصوص نقش اصل جبران خسارت در قراردادهای بیمه و وجوه تمایز آن با جبران خسارت مدنی پاسخ داده شود و مورد بررسی حقوقی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی؛ اصل جبران کامل خسارت؛ بیمه؛ بیمه‌گر؛ بیمه‌گذار؛ اصل غرامت؛ زیان

* دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: i_amiran@yahoo.com

** دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران؛

Email: bariklou@ut.ac.ir

مقدمه

گسترش صنعت و پیشرفت تکنولوژی در چند قرن اخیر باعث وقوع خطر و بروز خسارات سنگین و هنگفتی شده که ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است و این امر موجب ضروری‌تر شدن حقوق بیمه در جامعه شده است. هرچند بیمه در دوران باستان بر مبنای اصل تعاون استوار بوده است؛ برای مثال، سنگ‌تراشان مصر باستان در ۴۵۰۰ قبل از میلاد صندوقی تشکیل داده بودند که هریک از آنان سهمی پرداخته و از کمک‌های صندوق بهره‌مند می‌شدند و یا در سال‌های ۶۴۰-۵۸۸ قبل از میلاد در آتن انجمن‌هایی صنفی به وجود آمد که هدف آنها حمایت از اعضا در برابر پیشامدهای زیانبار و ناگوار بود، ولی اندیشه بیمه در سده‌های میانی بر مبنای اصل توزیع ریسک مطرح شد و بیمه برای اولین بار از قرن پانزدهم میلادی در زمینه حمل و نقل دریایی کالا در کشورهای مدیترانه‌ای به خصوص در بندر جنوای ایتالیا ظهور کرد (Birds and Hird, 2001: 1). در قرن هفدهم میلادی مهمترین اجتماع بیمه‌گران در قهوه‌خانه شخصی به نام ادوارد لوید در لندن تشکیل شد و تا سال ۱۷۶۰ میلادی، این قهوه‌خانه مهمترین مرکز برای بیمه خطرهای دریایی بود. عملیات بیمه‌گران لویدز حدود ۱۵۴ سال در گوشه غربی طبقه دوم عمارت بورس لندن ادامه داشت و پس از یک قرن و نیم فعالیت به عمارت اختصاصی لویدز منتقل شد. امروزه مؤسسه لویدز لندن از نظر تشکیلات به سه قسمت مجزا از یکدیگر تقسیم شده و یکی از بزرگترین و با سابقه‌ترین شرکت‌های بیمه جهان است. امروزه انواع گوناگونی از قرارداد بیمه رایج شده که مهمترین آنها بیمه خسارت می‌باشد. بیمه خسارات خود به دو دسته اموال و مسئولیت تقسیم می‌شود.

بررسی سیر تاریخی جبران خسارت در جوامع گوناگون و نظام‌های حقوقی دنیا، حکایت از پدید آمدن تحولات شگرف در دیدگاه‌های حقوقدانان و قانونگذاران دارد. این تحولات زاینده رشد علم، صنعت و تجارت و به تبع آن، افزایش خطرات و حوادث خسارت‌باری است که از یک سو، همواره اموال و اشخاص را مورد تهدید قرار می‌دهند و از سوی دیگر و در پاره‌ای موارد، به ورود زیان و تحقق مسئولیت شخص یا اشخاصی می‌انجامد که به اندازه زیان‌دیده در بروز حادثه و خسارت بی‌گناهند. درحقیقت هرچند

توسعه مفهوم تقصیر و خطا شمردن رفتارهایی که در زندگی ماشینی امروز برای هر انسان عادی و متعارفی غیرقابل اجتناب بوده و یا گسترش موارد مسئولیت بدون خطا و مبتنی بر ریسک یا تضمین، سبب تحمیل خسارت بر اشخاصی شده است که به معنی واقعی خطاکار نبوده‌اند بلکه به تولید کالا و ارائه خدمات به سایر افراد جامعه همت گمارده و سبب رونق بازار و فعالیت‌های اقتصادی شده‌اند (بابایی، ۱۳۸۰: ۷۲)، اما خودداری از حمایت یکجانبه از زیان‌دیدگان؛ ذهن حقوقدانان، اقتصاددانان و تجار را به رواج ابزاری مؤثر و مناسب جهت برقراری تعادل میان حمایت از زیان‌دیدگان و عاملین زیان رهنمون گردید. این وسیله مناسب بیمه بود که عمده‌ترین نقش آن، در جوامع کنونی، تقسیم خطر ناشی از حوادث و خسارت به‌بار آمده می‌باشد. هرچند احتمال ترغیب افراد به سهل‌انگاری، از جمله ایرادهای منتقدان به این شیوه جبران خسارت است (Clarke, 1997: 251-252).

بدین ترتیب در حقوق کنونی، سازوکارهایی متنوع و کارآمدتر از سابق، برای جبران خسارت زیان‌دیده پدید آمده است که از آن جمله می‌توان به بیمه‌های اشیا، اشخاص، مسئولیت و اجتماعی اشاره کرد که به‌طور کلی، حقوقدانان تحت عنوان طرح‌های جایگزین نظام مسئولیت مدنی از آن یاد کرده‌اند و آن را به دو نوع اصلی «بیمه‌های بازرگانی» و «نظام تأمین اجتماعی» تقسیم می‌کنند (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۸۷)، در حالی که در گذشته تنها منبع جبران خسارت، شخص واردکننده خسارت و در نهایت اقوام و دوستان وی بودند.

ارائه طرح‌های جایگزین متعدد، از نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه درخصوص خسارات بدنی، سبب ترجیح جبران خسارت جمعی بر جبران خسارت فردی و در نتیجه تحدید نقش نظام مسئولیت مدنی و تنزل جایگاه آن در سلسله‌مراتب جبران خسارت شده است. ضمن اینکه در موارد معدودی، این «نظام جبران خسارت قراردادی» است که در مقابل بیمه و سایر نظام‌های جبران خسارت قرار می‌گیرد. اگرچه این تعدد و تنوع منابع جبران خسارت به‌نفع اقشار مختلف جامعه است و اعمال عدالت اجتماعی و توزیع ضرر را تسهیل می‌کند، لیکن دغدغه جمع اهداف جبران خسارت زیان‌دیده، حمایت از کنش‌ها و هنجارهای اجتماعی و توزیع عادلانه ضرر، گاه حقوقدانان را با وضعیتی پیچیده روبه‌رو می‌سازد.

بدین ترتیب مقدمات تقارن و ارتباط تنگاتنگ مسئولیت مدنی (به‌ویژه مسئولیت مدنی به معنی اخص) و بیمه فراهم می‌آید که این برخورد نظام‌ها و شیوه‌های جبران خسارت، خود موجب طرح

پرسش‌ها و بحث‌هایی است که بررسی و پاسخ‌گویی به آنها به تشریح و تدوین این مقاله می‌انجامد. آگاهی از قواعد حاکم بر قراردادهای بیمه و به‌خصوص بیمه خسارت، آنگاه اهمیت خود را نشان می‌دهد که دعوای بیمه‌ای در دادگاه و مراجع دادگستری مطرح شود. از آنجا که مفهوم درستی از رویکرد قراردادهای بیمه خسارت در دست نیست، بدیهی است که نمی‌توان انتظار داشت عدالت اجرا گردد زیرا قرارداد بیمه، اصول و قواعد ویژه و مخصوصی دارد که در گذر اعصار علاوه بر اینکه متضمن بقای صنعت بیمه است، حاوی حمایت‌هایی هم برای بیمه‌گذار و زیان‌دیده و هم برای بیمه‌گر است. بنابراین باید قراردادهای بیمه را با توجه به اصول ویژه‌اش تفسیر کرد و چنانچه رویه قضایی به صواب نرود، موجبات عدم کارکرد مناسب صنعت بیمه و در نهایت عدم کارایی اقتصادی آن را فراهم می‌آورد.

لذا با شفاف‌سازی «اصل جبران خسارت»^۱ در قرارداد بیمه تلاش شده است تا تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت روشن شود. از سوی دیگر با بیان راهکارهایی به بیمه‌گران، کمک کوچکی به آنها جهت جلوگیری از رسیدن اهداف سودجویان متقلب شود. در عمل این بحث می‌تواند با تبیین قلمرو و رویکردهای اصل جبران خسارت در قرارداد بیمه، موجب رفع ابهام از بیمه‌گذاران و در نتیجه پیشگیری از اقامه دعوای واهی شود.

بیمه اموال عبارت است از نوعی قرارداد که در اصطلاح حقوقی، دارایی مثبت اشخاص شامل اموال، اعم از عین، منافع و هر حق مالی را تحت حمایت قرار می‌دهد. هدف از این نوع بیمه جبران خسارتی می‌باشد که در اثر آسیب به اموال و دارایی بیمه‌گذار، به‌طور مستقیم بر او وارد شده است. بیمه اموال از نظر نوع مال مورد بیمه به بیمه‌های اموال مادی،^۲ بیمه‌های زیان پولی یا مالی،^۳ و بیمه اموال فکری^۴ تقسیم می‌شود.

بیمه اموال از قدیمی‌ترین نوع بیمه بوده که نشئت گرفته از بیمه دریایی است و در قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی به حوادث و آتش‌سوزی، که از عمده رشته‌های بیمه اموال می‌باشد، تسری یافته است. بیمه مسئولیت مدنی به قراردادی اطلاق می‌شود که برای جبران خسارت ناشی از اعمال زیانباری منعقد می‌شود که شخص به‌موجب قواعد کلی مسئولیت مدنی در برابر دیگری

-
1. The Principle of Indemnity
 2. Property Insurance
 3. Pecuniary Loss Insurance
 4. Intellectual Property Insurance

عهده‌دار می‌شود. در واقع بیمه‌گر با دریافت حق بیمه، تعهد می‌کند که مسئولیت بیمه‌گذار را در مقابل زیان‌دیده تضمین و از دارایی مسئول حمایت کند.^۱

به هر حال، بیمه مسئولیت از لحاظ نظری دو هدف حمایت از دارایی شخص مسئول و حمایت از ثالث زیان‌دیده از طریق آسان کردن جبران خسارت را دنبال می‌کند. اگرچه در ابتدا هدف اول مقدم بوده ولی با گذر زمان، هدف دوم غالب گشته، به طوری که بیمه مسئولیت در بسیاری از زمینه‌ها اجباری شده است. لذا با تحقق مسئولیت بیمه شده، بیمه‌گر به قائم‌مقامی بیمه‌گذار در برابر زیان‌دیده ملزم به جبران خسارت است.

در جمع‌بندی قلمرو اصل جبران خسارت در بیمه‌های زیان باید گفت که نزدیکی میان دو نوع بیمه اموال و مسئولیت به اندازه‌ای است که هر دو را می‌توان زیر عنوان بیمه‌های خسارت، که در مقابل آن بیمه‌های اشخاص قرار دارد، بررسی کرد. مهمترین قدر مشترک بیمه‌های خسارت این است که هر دو جنبه غرامتی دارند و هدف آنها جبران زیان وارده بر بیمه‌گذار است و هیچ‌یک از آن دو نمی‌تواند سبب ایجاد نفع برای بیمه‌گذار شود.

در این مقاله اصل جبران خسارت، به عنوان اصلی‌ترین تعهد بیمه‌گر در حقوق بیمه از لحاظ مفهومی، مبنایی، نظری و کاربردی و قلمرو اجرایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم خسارت

قراردادهای بیمه بر اساس طبیعت تعهدات قراردادی بیمه‌گر و بیمه‌گذار به بیمه خسارات (بیمه زیان) و بیمه اشخاص تقسیم می‌شود (ایزدپناه، ۱۳۶۸-۱۳۶۷: ۲۷) که در واقع زیرمجموعه بیمه بازرگانی است که در نقطه مقابل آن بیمه اجتماعی قرار می‌گیرد. بیمه خسارات که به دو بخش عمده بیمه اموال و بیمه مسئولیت تقسیم می‌شوند، بر مبنای «اصل جبران خسارت» استوار است. لذا، در تبیین اصل موصوف در قلمرو تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار، بایسته است مفهوم خسارت روشن شود.

خسارت (به فتح خاء و راء) از نظر لغوی مصدر و به معنای ضرر کردن، زیان بردن، زیان

1. Contract by which one Party Promise on Consideration to Compensate or Reimburse Other if he Sall Saffer Loss from Specified Case or to Guaranty or Indemnify or Secure him Against Loss from that Cause (Henry Campell Black, M. A., 1979: 915).

دیدن، زیانکاری و زیان و از دست دادن دارایی یا حق است (فرهنگ معین، ج ۲). این واژه در اصطلاح حقوقی به دو معنی به کار رفته است؛ یکی مالی که باید از طرف کسی که ضرر مالی به دیگری وارد نموده، به متضرر پرداخت شود و دیگری به زیان وارده اطلاق شده است.

هرچند در عرف نیز کلمه خسارت به دو معنای «خسارت زدن» و «خسارت گرفتن» مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی «خسارت» در قانون تعریف نشده و فقط به مصادیق آن تحت عنوان خسارت دادرسی، خسارت تأخیر تأدیه خسارت حاصل از عدم انجام تعهد اشاره شده است.

به هر حال، واژه «خسارت» در حقوق مدنی به دو معنی عمده آمده است؛ گاه به معنی «ضرر» که در این استعمال هیچ تفاوتی میان «خسارت» و «ضرر» وجود ندارد و گاهی نیز به معنی «جبران» به کار رفته و آن چیزی است که برای ترمیم ضرر پرداخت می‌شود؛ یعنی همان غرامت یا تاوان. قانونگذار هنگامی که از خسارات حاصل از عدم انجام تعهد یا جبران خسارات سخن می‌گوید، خسارت را در معنی اول به کار برده است (مانند ماده (۲۲۱) ق.م.ا و لی هنگامی که از تأدیه خسارت بحث می‌کند (مواد (۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۲۹) ق.م.ا) معنای دوم را اراده کرده است.

در قانون آیین دادرسی مدنی نظر قانونگذار از استعمال واژه خسارت در غالب موارد «ضرر» بوده است. چنانچه، ماده (۵۱۵) قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارت ناشی از دادرسی یا تأخیر در انجام تعهد یا عدم انجام تعهد را ... مطالبه کند»، لیکن در بعضی از موارد، خسارت را در معنای جبران ضرر به کار برده است؛ مانند ماده (۵۱۷) قانون گفته شده که مقرر شده: «دعوایی که به طریق سازش خاتمه یافته باشد حکم به خسارت نسبت به آن دعوی صادر نخواهد شد ...».

در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز در غالب موارد خسارت به معنای «زیان» به کار رفته، برای مثال در ماده (۲) مقرر شده است: «در مواردی که عمل واردکننده زیان

۱. ماده (۲۲۱) ق.م.ا: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و ...».

۲. ماده (۲۲۶) ق.م.ا: «در مورد عدم ایفای تعهدات از طرف یکی از متعاملین به طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید، مگر اینکه برای ایفای تعهدات مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد ...» ماده (۲۲۷) ق.م.ا: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». ماده (۲۲۹) ق.م.ا: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود».

موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید...». در مواردی نیز مقصود از خسارت همان جبران خسارت بوده است، مانند ماده (۳) که در آن مقرر شده است: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...».

بنابراین خسارت هم به زیان وارد شده و هم به مالی که برای جبران این زیان باید به متضرر پرداخت شود اطلاق می‌گردد. لذا حقوقدانان عبارات مختلفی را در معنای ضرر به کار برده‌اند. برای مثال، عده‌ای ضرر را خلاف نفع و سود، نقص در حق و عده‌ای دیگر آن را ضد نفع دانسته‌اند (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۴۵). در مفهوم ضرر یا خسارت نیز گفته شده «هرجا که نقص در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید، ضرری به‌بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۴۴).

در تعریف دیگر، مفهوم خاص ضرر و خسارت عبارت است از تفاوت بین دارایی کنونی زیان دیده و دارایی او به فرض عدم وقوع عمل زیانبار. به همین دلیل خسارت را «نفع مالی» یا به‌اختصار «نفع زیان دیده» نامیده‌اند و عمدتاً تقلیل دارایی، که خسارت را تشکیل می‌دهد، به شکل تلف، نقص مال یا فوت منفعت است. فقها فوت منفعت را «عدم‌النفع»^۱ نامیده‌اند (شیروی، ۱۳۸۰: ۲۶).

در حقوق خارجی نیز این دو باهم ارتباط و شباهت زیادی دارند به‌عنوان مثال در حقوق انگلستان از واژه «Damage» در صیغه مفرد برای تعبیر از خسارت استفاده می‌شود و در توصیف آن همانند حقوق ایران از الفاظ مشابه و معادل از قبیل ضرر و زیان،^۲ لطمه و صدمه بدنی،^۳ هرگونه آسیب^۴ استفاده می‌شود. اما صیغه جمع این کلمه «Damage» متمایز از صیغه مفرد آن و به معنای «تاوان یا غرامت پولی»^۵ است که در مقام جبران ضرر یا زیان‌های وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب یک «فعل غیرقانونی»، ترک فعل^۶ یا عمل خطاکارانه^۷ حکم به

1. Loss of Profit

2. Loss

3. Injury

4. Detriment

5. Pacuniary Compensation

6. Omission

7. Wrong Act

پرداخت داده می‌شود. همچنین ممکن است علت پرداخت خسارت ناشی از «مسئولیت مدنی»^۱ باشد. از این حیث تفاوتی میان مسئولیت مدنی و نقض قرارداد^۲ وجود ندارد و ویژگی بارز این غرامات، پرداخت مبلغی پول می‌باشد (Coampell, 1998: 204).

یکی از نویسندگان حقوق انگلیس تعریف نسبتاً جامعی از واژه خسارت ارائه کرده است و آن را نوعی جبران خسارت می‌داند که یا پرداخت مبلغی پول یا غرامت به واسطه طرح دعوی و صدور حکم به نفع خواهان، قابل مطالبه و دریافت باشد. جبران خسارت ممکن است به واسطه ارتکاب یک عمل مسئولیت مدنی یا ناشی از نقض یک قرارداد باشد (Treitel, 1995: 778). در حقوق انگلستان هدف از جبران خسارت، پرداخت غرامت و جبران کلیه ضرر و زیان‌ها یا صدماتی است که به شخص وارد شده است و پرداخت خسارت باید به گونه‌ای صورت پذیرد که شخص را در همان وضعیت قبل از ورود زیان یا انجام فعل زیانبار قرار دهد.

در ماده (۷۴) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، از عبارت *Loss and Damage* استفاده شده و تعریفی از آن ارائه نشده است، لیکن خسارات قابل مطالبه را شامل زیان مادی وارده و عدم‌النفع دانسته و قابلیت پیش‌بینی را شرط لازم برای مطالبه آن قرار داده که جبران آن از طریق پرداخت مبلغی پول است.

به نظر می‌رسد که مفهوم خسارت و ضرر «عبارت است از هر کاستی و نقصانی که بر مال و حق مالی یا جسم یا حیثیت و شهرت یا عواطف شخص، به‌طور ناروا و ناخواسته، از طرف دیگری وارد شود» (باریکلو، ۱۳۸۷: ۶۱). این تعریف تا حدودی با تعریف بعضی از فقها که ضرر را به مطلق نقصان و کاستی در نفس یا عضو یا مال و حیثیت تعریف کرده‌اند مشابهت و نزدیکی دارد (نائینی، ۱۴۱۸: ۳۷۸). ولی تفاوت عمده‌ای که با آن دارد، این است که در این تعریف مطلق نقصان، ضرر محسوب نشده، بلکه نقصانی ضرر محسوب شده است که غیرارادی و تحمیلی باشد زیرا عرفاً نقصانی ضرر محسوب می‌شود که ناخواسته باشد و نقصانی که ارادی است مانند هبه و یا مواردی که شخص اقدام بر ایراد نقصان در دارایی خویش می‌نماید، تخصصاً از موضوع و مفهوم ضرر در مسئولیت مدنی خارج است.

1. Tort

2. Breach of Contract

در مجموع و با عنایت به تعاریف به عمل آمده به نظر می‌رسد «ضرر» یا «خسارت» واجد یک مفهوم عرفی است لذا در تشخیص مصادیق نیز باید به عرف مراجعه کرد.

۲. خسارت در حقوق بیمه

لازم به ذکر است که تحقق خسارت در حقوق بیمه همواره مستلزم تعدی یا تفریط یا بی‌احتیاطی و حتی تأثیر شخص دیگری غیر از متضرر نیست، مثلاً هرگاه بر اثر سرد شدن ناگهانی هوا، محصول یک مزرعه از بین برود یا بر اثر سیل غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مهار، خانه‌های یک شهر آسیب ببیند، با اینکه تعدی و بی‌احتیاطی انجام نشده است، همه اتفاق نظر دارند که خسارت وارد شده است. یا هرگاه راننده‌ای بر اثر سرعت غیرمجاز از جاده خارج شود و اتومبیل وی در اثر برخورد به درختان کنار جاده آسیب ببیند، با اینکه حادثه در اثر بی‌احتیاطی خود وی ایجاد شده و شخص دیگری در وقوع آن تأثیر نداشته باز هم تعبیر ورود خسارت در چنین موردی متداول است.

بر این اساس قلمرو خسارت در حقوق بیمه وسیعتر از مسئولیت مدنی است. به عبارت بهتر، در حقوق بیمه تحقق خسارت بدون تحقق ارکان مسئولیت مدنی امکان‌پذیر است. تحقق مسئولیت مدنی فرع بر احراز ورود خسارت است، اما تحقق خسارت فرع بر بروز تقصیر یا وجود مسئول نیست. به نظر می‌رسد این مسامحه در تعبیر خسارت، ناشی از آن باشد که احراز ورود خسارت را تنها مقدمه‌ای برای یافتن عامل ورود زیان براساس قواعد مسئولیت مدنی و محکوم نمودن او به جبران خسارت وارده پنداشته‌اند. درحالی که همواره این عامل ورود زیان نیست که ملزم به جبران خسارت است، بلکه گاهی اشخاص دیگری غیر از عامل ورود زیان، ملزم به جبران آن می‌باشند که برای محکوم کردن آنها قواعد مربوط به مسئولیت مدنی و الزام خارج از قرارداد کاربردی ندارد و باید به مقررات مربوط به الزامات قراردادی استناد کرد که بیمه از چنین مواردی است.

غالباً بیمه‌گر هیچ ارتباطی با عوامل ورود خسارت ندارد و بنابراین نمی‌توان او را بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت دانست و مبنای الزام او را به جبران خسارت باید در مقوله دیگری جست‌وجو کرد. بر این اساس، خسارت را باید بدون اختلاط مفهوم آن با مسئولیت مدنی تفسیر کرد. در قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶، قانونگذار در مواد (۱)، (۷)، (۱۰)،

۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۲۹ و ۳۰) در مجموع در ۱۵ ماده از ۳۶ ماده این قانون از واژه خسارت استفاده کرده که خود نشانگر اهمیت فراوان خسارت در مقررات بیمه است. در حقوق بیمه، گاهی واژه خسارت در مفهوم بیمه‌ای به معنای «ادعا»، گاهی «ضرر و زیان»^۲ و یا «گرامت»^۳ است، اما تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده است. در اصطلاح حقوق بیمه، خسارت معنی و مفهوم گسترده‌ای دارد. اتوهاگن، حقوقدان آلمانی می‌گوید: خسارت عبارت است از وقوع خطر یا تحقق امری که بیمه‌گر در قرارداد بیمه متعهد به جبران عواقب آن باشد (Hagen, 1922: 561 به نقل از محمودصالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). به نظر ژولیوس فین گیر که، حقوقدان دیگر آلمانی، واقعه یا پیشامدی که موجب انجام تعهد اساسی بیمه‌گر می‌شود، خسارت نامیده می‌شود (محمودصالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). شمار دیگری از حقوقدانان آلمانی، خسارت را «واقعه یا پیشامدی که مطابق قرارداد بیمه انجام تعهد بیمه‌گر منوط به حدوث آن است» می‌دانند (همان، ۱۳۴۶).

خسارت در بعضی از رشته‌های بیمه مانند بیمه‌های مسئولیت مدنی، مفهوم ویژه‌ای دارد در این مورد نیز دیدگاه‌های متعددی بیان شده است. بعضی خسارت را «پیشامدی که موجب مسئولیت بیمه‌گذار در مقابل اشخاص ثالث است» می‌دانند. برعکس، از دیدگاه ارنست بروک، حقوقدان آلمانی، درخواست گرامت یا ادعای زیان از طرف ثالث متضرر، عنصر تشکیل‌دهنده خسارت است نه صرف وقوع حادثه زیانبار. این نظریه مورد تأیید رویه قضایی آلمان است. بدین معنا که به نظر دیوان عالی کشور آلمان تا زمانی که ثالث زیان‌دیده از بیمه‌گذار ادعای گرامت نکند ضرورتی برای جبران آن به وجود نمی‌آید (همان، ۱۳۸۸: ۱۲۱). پروفیسور ژوزف آمار، حقوقدان فرانسوی، نیز معتقد بود در بیمه‌های مسئولیت مدنی، آنچه خسارت را تشکیل می‌دهد و موجب دخالت بیمه‌گر در امر جبران گرامت می‌شود، ادعای زیان یا درخواست گرامت شخص ثالث زیان‌دیده از بیمه‌گذار است. بر مبنای این دیدگاه چون بیمه‌گر مسئولیت مدنی یا پیامد مالی عمل زیان‌آور بیمه‌گذار را بیمه کرده و وقوع حادثه و ادعای گرامت شخص ثالث زیان‌دیده، دارایی بیمه‌گذار را تهدید و مدیون

-
1. Claim
 2. Damage
 3. Indemnity

می‌کند، بیمه‌گر برای دفاع و حمایت از مشتری خود وارد دعوا می‌شود و در صورت اثبات مسئولیت مدنی بیمه‌گذار به‌جای او ضرر شخص زیان‌دیده را جبران می‌کند.

در قانون بیمه ۱۹۳۰ فرانسه، که براساس نظریه فوق تنظیم شده، نیز مقرر است که بیمه‌گر الزامی به جبران ندارد مگر آنکه متعاقب حادثه پیش‌بینی شده در قرارداد بیمه، ادعای غرامتی از طرف شخص زیان‌دیده علیه بیمه‌گذار صورت گیرد. البته این نظریه در مورد بیمه‌های اختیاری مسئولیت مطرح است و در خصوص بیمه‌های اجباری مسئولیت، که هدف آنها حمایت از شخص زیان‌دیده می‌باشد، قانونگذار تسهیلاتی برای زیان‌دیدگان پیش‌بینی و حق مراجعه مستقیم به بیمه‌گران را برای آنها شناسایی کرده است. بدین معنی که زیان‌دیده به‌جای مراجعه به بیمه‌گذار و ادعای غرامت از او حق دارد به‌طور مستقیم به بیمه‌گر او مراجعه و درخواست جبران خسارت کند. ولی به‌هرصورت در این زمینه نیز صرف وقوع حادثه و ورود زیان موجب انجام تعهد بیمه‌گر نمی‌شود، بلکه زیان‌دیده باید ادعای غرامت نماید و مدارک لازم را برای اثبات زیان خود و رابطه آن با فعل عامل زیان به بیمه‌گر بدهد تا بیمه‌گر به تعهد خود عمل نماید. از این دیدگاه می‌توان گفت که خسارت عبارت است از پیشامد یا امری که تحقق آن مطابق قرارداد بیمه موجب ایفای تعهد بیمه‌گر در جبران غرامت یا پرداخت سرمایه بیمه می‌شود. به عبارت دیگر «خسارت بیمه‌ای عبارت است از تحقق خطر پیش‌بینی شده در قرارداد بیمه به شیوه‌ای که موجب انجام تعهد اساسی بیمه‌گر شود» (همان: ۱۲۲). مطابق این تعریف برای تحقق خسارت دو شرط لازم است:

۱. خطر پیش‌بینی شده در قرارداد بیمه محقق شود. با توجه به اینکه در اکثر موارد، مصادیق خطر به‌صراحت در قرارداد بیمه مشخص و معلوم شده است موجب اشکال نمی‌شود، لیکن ممکن است بعد از حدوث خطر موضوع قرارداد بیمه، در تطبیق مصادیق خطر اتفاقی با موضوع قرارداد اختلاف حادث شود که در این صورت به داوری عرف رجوع می‌شود.
۲. وقوع خطر باید به‌نحوی باشد که موجب ایفای تعهد اساسی بیمه‌گر شود. تحقق خطر پیش‌بینی شده در قرارداد بیمه، شرطی لازم، ولی ناکافی است و ضرورت دارد تحقق خطر به‌نحوی باشد که زمینه لازم برای اجرای تعهد بنیادی بیمه‌گر را فراهم آورد؛ یعنی ضرری را وارد کند که بیمه‌گر در اجرای تعهد خود آن را جبران کند. بیان این نکته از آن جهت اهمیت دارد که هنگام وقوع خطر بیمه‌گذار موظف است طبق ماده (۱۵) قانون بیمه ظرف

مدت پنج روز، از تاریخ اطلاع وقوع خطر، اعلام خسارت کند و چنانچه انجام این عمل برای او مقدور و ممکن باشد و در مدت مقرر مذکور اقدام نکند، بیمه‌گر می‌تواند از جبران زیان امتناع نماید، هرچند خطر مذکور در بیمه‌نامه محقق شده باشد. باین حال، فقط در صورت اجتماع و حصول همه شرایط قراردادی و قانونی است که خسارت در معنای بیمه‌ای مصداق می‌یابد و بیمه‌گر را به انجام تعهد اصلی خود ملزم می‌کند.

۳. قلمرو اصل جبران خسارت در حقوق بیمه

هرچند از نظر تاریخی، جبران خسارت نخستین و مهمترین هدف مسئولیت مدنی نبوده زیرا در جوامع ابتدایی به دلیل ضمانت اجراهای مذهبی و کیفری خطا، خلط مسئولیت مدنی و کیفری، به آن بیشتر به عنوان عاملی برای برقراری نظم اجتماعی نگریسته می‌شد، اما با جدا شدن مسئولیت مدنی از مسئولیت کیفری و گناه، جبران خسارت به صورت یکی از هدف‌های مسلم مسئولیت مدنی درآمد (Tunce, 1971: 56-69؛ بادینی، ۱۳۸۳: ۶۴).

حتی برخی حقوقدانان فرانسوی آن را تنها هدف قابل توجه این گرایش از حقوق خصوصی دانسته‌اند. به عنوان مثال، ریپر در این باره معتقد بود مسئله مسئولیت چیزی جز مسئله جبران خسارت نیست ... و حقوق کنونی تمایل به آن دارد تا اندیشه جبران خسارت را جایگزین اندیشه مسئولیت کند (بادینی، ۱۳۸۳: ۶۴). اهمیت پیدا کردن جبران خسارت به عنوان هدف مسئولیت مدنی بیشتر در نتیجه نفوذ این باور است که مسئولیت مدنی تنها در ارتباط با ضررها و جبران خسارت و نه قضاوت اخلاقی در خصوص رفتار افراد می‌باشد (Tunce, 1971: 127).

اصل جبران خسارت که در حقوق مسئولیت مدنی دامنه و نحوه جبران خسارت زیان‌دیده را تعیین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۷ و ۲۴۲؛ حسینی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۹۵) به عنوان مهمترین هدف قواعد مسئولیت مدنی بیان شده است و به گفته برخی نویسندگان از نظر فنی، مسئولیت با دین مربوط به جبران خسارت بیان می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۴۲) به بیان دیگر، باید زیانی وارد شود تا برای جبران آن مسئولیت ایجاد شود و دینی برعهده مسئول قرار گیرد. همچنین دعوای مسئولیت هیچگاه نمی‌تواند وسیله سودجویی قرار گیرد. در واقع موضوع مسئولیت مدنی مجازات مرتکب تقصیر نیست، بلکه جبران خسارت ناشی از آن است (همان: ۲۴۳).

بیمه خسارت نیز قراردادی است که در راستای تحقق هدف مسئولیت مدنی منعقد می‌شود

چون هدف آن جبران خسارت وارده به اموال و دارایی بیمه‌گذار یا کسی می‌باشد که او طبق قواعد مسئولیت مدنی در قبال او مسئول است. لذا «اصل جبران خسارت» که برخی آن را «اصل غرامت» یا اصل زیان نیز نام نهاده‌اند (محمودصالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۶؛ کریمی، ۱۳۷۷: ۶۳) حاکم بر این نوع از قراردادهای بیمه می‌باشد. مطابق اصل جبران خسارت زیان‌های وارده به بیمه‌گذار یا ثالث باید به‌طور کامل جبران شود. در واقع در اجرای این اصل، بیمه‌گر تعهد دارد که خسارت واقعی (ارزیابی شده) زیان‌دیدگان را طبق مفاد و شرایط بیمه‌نامه تا سقف مورد تعهد خود جبران کند و تا حد امکان زیان‌دیده را در موقعیت قبل از وقوع حادثه زیانبار قرار دهد. لذا پوشش چنین بیمه‌ای نباید به افزایش دارایی زیان‌دیده منجر شود و نسبت به قبل از وقوع حادثه او را در موقعیتی بهتر قرار دهد (Clarke, 1997: 21-22).

در واقع، بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت و رفع عدم تعادلی است که در پی وقوع حادثه برای موضوع بیمه در وضع مالی زیان‌دیده پدیدار می‌شود. اگر این اصل ملاک پرداخت خسارت نباشد، بیمه وسیله‌ای برای سودجویی و منفعت‌طلبی بوده و موجب ایجاد فساد و محل نظم عمومی و مشوق ایجاد خسارت‌های عمدی خواهد بود.

این اصل در حقوق کامن‌لا^۱ که خاستگاه اصلی حقوق بیمه است، مورد استناد قرار گرفته و دادگاه‌ها در پرونده‌های متعددی بر این مبنا و با هدف جبران خسارت وارده بر خواهان، اقدام به صدور رأی نموده‌اند. در واقع دادگاه‌ها خواست‌هاند با حکم جبران خسارت، شخص متضرر را تا جایی که امکان دارد از نظر مالی در موقعیتی قرار دهند که اگر حادثه یا فعل زیانبار اتفاق نمی‌افتاد متضرر در آن موقعیت بود و به وضعیت اقتصادی وی خللی وارد نمی‌شد (Hodgin, 2002: 856; Mardden, 2005: 43; European). (Center of Tort and Insurance Law, 2005: 97, 138 and 145).

اصل جبران کامل زیان که در قرارداد بیمه جزء اساسی‌ترین اصول محسوب می‌شود، در دعوی پروتستون علیه باربر^۲ در سال ۱۸۱۶ در رأی دیوان دائمی داوری در ماجرای مصادره کشتی نروژی توسط آمریکا مورد استناد قرار گرفت و اعلام شد که جبران عادلانه، متضمن برقراری مجدد وضع سابق است و جبران خسارت باید تا حد ممکن کلیه آثار و نتیجه عمل

1. Common Law

2. Brotherston V. Barber

نامشروع محروم کننده از منفعتی که به احتمال زیاد در صورت عدم ارتکاب این عمل، وجود می‌داشت اعاده شود. به طوری که دیوان نظر داد برای اینکه غرامت بتواند کلیه آثار و نتایج عمل غیرقانونی را زایل نماید، باید اعاده به وضع سابق یا معادل نقدی به اضافه هر گونه خسارت تبعی را شامل شود. همچنین متعاقب آن در دعوی کاستلیان علیه شرکت بیمه پرستون^۱ در سال ۱۸۸۳ که در خصوص آتش سوزی یک خانه مطرح شد، شرکت بیمه مربوطه ملزم به جبران کامل خسارت خوانده گردید. همچنین در دعوی دیگری^۲ در سال ۱۹۴۳ که در خصوص تلف شدن کالایی که توسط یک کشتی آلمانی حمل و در اثر جنگ جهانی دوم مفقود شد، لرد وایت^۳ اصل جبران کامل خسارت را در این پرونده حاکم نمود (Hodges, 1999: 1-2).

لذا در بیشتر دعاوی، دادگاه واردکننده زیان را ملزم می‌کند تا با پرداخت مبلغی پول خسارت وارد شده به زیان دیده را جبران کند و معمولاً گفته می‌شود که جبران خسارت باید کامل باشد، به نحوی که زیان دیده را از هر جهت در وضعیت قبل از وقوع زیان قرار دهد^۴ (Tunce, 1971: 166).
 باین حال هر چند اصل جبران خسارت در حقوق بیمه متأثر از اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت مدنی است ولی باید توجه داشت که قلمرو و دامنه خسارت در حقوق بیمه فراتر از حقوق مسئولیت مدنی است و شامل زیان وارده بر دیگری و بیمه گذار در نتیجه عمل غیر عمدی او و حوادث قهری نیز می‌شود، در حالی که طبق قواعد مسئولیت مدنی زیان وارده بر دیگری قابل جبران و حمایت است.

طبق این اصل، تعادل از بین رفته در دارایی زیان دیده باید تا جایی که ممکن است اعاده شود و زیان دیده را به وضعیتی بازگرداند که قبل از ورود زیان داشته است. لذا برخلاف حقوق مسئولیت مدنی، هدف و فلسفه وجودی حقوق بیمه، تأمین بیمه گذار در برابر خطراتی است که امکان دارد در آینده موجب ورود خسارت یا مسئولیت وی شود. به عبارت دیگر، آنچه بیمه گذار در قبال پرداخت حق بیمه دریافت می‌کند، تعهد بیمه گر به تحت پوشش قرار دادن او است که موجب تأمین، آرامش و امنیت می‌شود. در واقع مقتضای ذات عقد بیمه، تعهدی است که موجب امنیت و تأمین در مقابل خطر و مسئولیت احتمالی است و جبران

1. Castellain V. Preston

2. Richards V. Forestul Land, Timber and Railwags co ltd

3. Wright

4. Restitution in Intergrum

خسارت از آثار عقد بیمه صحیح می‌باشد که بیمه‌گر متعهد به انجام آن است. لیکن برخی حقوقدانان معتقدند که «هرچند هدف آغازین این نهاد (بیمه) حمایت از بیمه‌گذار در مقابل خطر مسئولیت احتمالی بوده است، ولی به تدریج فکر حمایت از زیان‌دیده غالب آمده و هدف نخستین بیمه مسئولیت شده است. این هدف به‌ویژه در بیمه‌های اجباری مسئولیت مشهود است (Cane, 1996: 414). حتی برخی فراتر رفته و معتقدند اندیشه‌های کنونی در بیمه‌های اختیاری هم، فکر تضمین جبران خسارت زیان‌دیده را به‌عنوان هدف اصلی یا دست‌کم یکی از مهمترین هدف‌ها می‌پذیرند. از این رو، کوتاهی در انعقاد بیمه اختیاری مسئولیت را تقصیری قلمداد می‌کنند که می‌تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد. (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷: ۱۷۶). با این حال باید گفت که اصل جبران خسارت در مسئولیت مدنی با اصل جبران خسارت در حقوق بیمه، هرچند از لحاظ هدف یکی است لیکن از نظر حقوقی و نظری دارای مبانی متفاوت می‌باشند زیرا: اول اینکه جبران خسارت در مسئولیت مدنی بر مبنای مسئولیت غیر قراردادی و ضمان قهری است. حال آنکه جبران خسارت در حقوق بیمه مبتنی بر مسئولیت قراردادی و در راستای قرارداد بیمه منعقد شده بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است.

دوم اینکه، جبران خسارت در مسئولیت مدنی از آنجا که نشئت گرفته از ضمان قهری و غیر قراردادی است، فاقد عوض و الزام به پرداخت آن ناشی از قانون می‌باشد. لیکن جبران خسارت در حقوق بیمه در عوض پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار بوده و از تعهدات قراردادی بیمه‌گر محسوب می‌شود.

سوم اینکه، حقوق مسئولیت مدنی بر جبران فردی خسارت توسط شخص مسئول حادثه بنا نهاده شده است که هدف آن از حیث حقوق زیان‌دیده، تحقق عدالت ترمیمی^۱ بوده و بیمه‌های مسئولیت به کمک و تحقق این هدف وارد شده است، ولی اصولاً بیمه‌های خسارت مبتنی بر عدالت توزیعی^۲ می‌باشد که مبنا و رویکرد هر کدام با دیگری متفاوت است. لذا در ابتدای پیدایش بیمه گروهی از طرفداران مسئولیت مدنی با آن به مخالفت پرداختند. در واقع

1. Corrective Justice

۲. Distributive Justice: عدالتی است که مقرر می‌کند هزینه‌ها و فایده‌ها را چگونه باید میان افراد جامعه توزیع کرد. به عبارت دیگر مراد از عدالت توزیعی این است که چگونه باید منافع و مسئولیت‌های اجتماعی توزیع شود تا شبکه روابط اجتماعی عادلانه باشد و از این طریق شاهد ایجاد یک جامعه عدالت‌محور باشیم.

بیمه‌گر منابع پرداخت خسارت را از محل حق بیمه‌های دریافتی از جمع‌کثیری از بیمه‌گذاران تأمین می‌کند و به این نحو هزینه جبران خسارت را بر دوش همه کسانی توزیع می‌کند که در معرض خطر نقص مال (بیمه اموال) یا مسئول شناخته شدن (بیمه مسئولیت) هستند. در مرحله دیگر، بسیاری از بیمه‌گذاران نیز حق بیمه پرداختی را جزء هزینه تولید کالا یا ارائه خدمات به حساب آورده و پرداخت آن را در نهایت بر مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کنند. بدین نحو توسعه بیمه موجب توزیع هزینه جبران خسارت بر دوش فرد اشخاص جامعه می‌شود و حقوق مسئولیت مدنی را غالباً از وسیله‌ای مؤثر در جبران خسارت به ابزاری برای تعیین مؤسسه و شرکت بیمه و در نتیجه جمع بیمه‌گذاران طرف قرارداد او و مصرف‌کنندگان محصولات ایشان که در نهایت پرداخت را برعهده می‌گیرند تبدیل می‌کند.

چهارم اینکه، اگرچه بیمه جایگاه مسئولیت مدنی را در مقام جبران خسارت در سطح وسیعی گرفته، ولی در مورد پاسداری از هنجارهای رفتاری نتوانسته است جایگزین مسئولیت مدنی شود (همان: ۸۷). برخلاف حقوق مسئولیت مدنی که در عین حال به پاسداری از هنجارهای رفتار اجتماعی و جبران خسارت نظر دارد، توسعه بیمه ممکن است باعث شود بیمه‌گذار که با انتقال ریسک مسئولیت به بیمه‌گر، خود را از تحمل بار خسارت ناشی از سهل‌انگاری‌ها و خطاها معاف می‌بیند، با بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نسبت به حقوق، جان و مال دیگران عمل نماید. در واقع احساس معافیت از مسئولیت و عدم تحمل بار جبران خسارت سبب خواهد شد که بیمه‌گذار به حقوق و جان و مال غیر توجه کافی نکند و در رفتار خود تعدی و تفریط نماید. لذا از طرفی، موضوع قائم‌مقامی بیمه‌گر از بیمه‌گذار به عنوان نهادی تعدیل‌کننده مطرح شده و از طرف دیگر، جریمه‌هایی تحت عنوان خسارت تنبیهی برای بیمه‌گذاران بی‌احتیاط پیش‌بینی شده تا از اثر سوء توسعه بیمه در رفتار مسئولان احتمالی بکاهد و به همین دلیل وجود حقوق مسئولیت مدنی در کنار بیمه لازم و اجتناب‌ناپذیر شمرده شده است.

به هر حال، اصل جبران خسارت از اصول آمره قراردادهای بیمه است، به نحوی که طرفین نمی‌توانند به مبلغی بیشتر از مبلغ خسارت توافق نمایند. از این رو، در ماده (۱۱) قانون بیمه مقرر شده، چنانچه بیمه‌گذار با قصد تقلب، مالی را اضافه بر قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد، عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست. فارغ از اینکه این ماده در صدد دفع نیت‌های بد در قرارداد بیمه است، به نوعی تلقی قانونگذار و بیانگر اهمیت اصل

غرامت در بیمه‌های زیان است زیرا اگر این اصل مبنای پرداخت خسارت نباشد و قرارداد بیمه منبع استفاده بیمه‌گذار شود، موجب فساد می‌شود و بدین ترتیب بیمه کارکرد خود را از دست می‌دهد، در حد مشوق ایجاد خسارت‌های عمدی و رواج بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی تنزل می‌یابد، و مصداقی از اکل مال بالباطل می‌شود.

۴. مبنای اصل جبران خسارت در حقوق بیمه

اولین توجیهی که می‌تواند موجب پیدایش اصل جبران خسارت در حقوق بیمه باشد برقراری عدالت یا حفظ آن در جامعه است زیرا عدالت و دادگری ایجاب می‌کند که هر زیان‌دیده‌ای تا میزانی که خسارت دیده است غرامت دریافت کند نه کمتر، نه بیشتر (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۲؛ محمود صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

با این حال توجیه‌های دیگری نیز در ضرورت اصل مذکور ارائه شده است. برخی حقوق‌دانان برقراری نظم و امنیت اجتماعی (نظم عمومی) را در این امر دخیل می‌دانند و معتقدند که اگر اصل غرامت اساس پرداخت نباشد، بیمه می‌تواند منبع استفاده برای بیمه‌گذار و انگیزه‌ای برای ایجاد خسارت‌های عمدی باشد که باعث فساد و مخل نظم عمومی است (کریمی، ۱۳۷۷: ۶۳). این نظریه را می‌توان از رویه قضایی فرانسه مبنی بر بطلان قرارداد عدم مسئولیت مدنی به استناد جنبه نظم عمومی داشتن این قواعد استنباط کرد (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۳).

برخی دیگر معتقدند که اصل مزبور ناشی از رویکرد اجتماعی کردن خطرات است (همان، ۱۳۹۰-۱۳۸۹: ۶). براساس این دیدگاه، جبران کامل خسارت زیان‌دیده تنها در صورتی امکان‌پذیر است که از او حمایت اجتماعی شود و بیانگر این نکته است که زیان‌دیده برای جبران خسارات خود ابتدا به نهادهای اجتماعی مراجعه کند. درحقیقت هدف اصلی این رویکرد، آسیب‌زدایی اجتماعی است. به همین علت می‌توان مبنای آن را در همبستگی اجتماعی بین افراد جامعه دانست. طرفداران این رویکرد همبستگی اجتماعی را امری ضروری می‌دانند و از «عدالت توزیعی» به‌عنوان ابزار تحقق آن استفاده می‌کنند. مطابق این دیدگاه باید امکانات جامعه، اعم از مالی یا غیرمالی مانند فرصت‌های اجتماعی، به‌نحوی در کل جامعه توزیع شود که هر کس بر مبنای لیاقت و شایستگی خود توان بهره‌مندی از آنها را داشته باشد. درحقیقت مبنای دریافت از مزایا استعداد و شایستگی افراد است. درعین حال

تنها امکانات و ثروت‌های جامعه توزیع نمی‌شود، بلکه آسیب‌ها و زیان‌ها نیز باید برای عموم افراد جامعه باشد و همگی از آن سهم داشته باشند. بر همین اساس در حوادث کار و وسایل نقلیه موتوری، بیمه، اجباری محسوب شده است.

بی‌تردید در جبران خسارات باید به آسان‌ترین شیوه ممکن عمل کرد، اما نکته مهم چگونگی جمع‌آوری و تأمین اعتبار لازم برای جبران خسارات می‌باشد. اشکال دیدگاه اجتماعی کردن خطرات، نادیده گرفتن استقلال اقتصادی افراد است. به‌علاوه در مورد مال جمع‌آوری شده از عموم مردم تردیدهایی درباره تعیین مالک نیز مطرح می‌شود. این اشکال در جایی که آسیب‌های اجتماعی و طبیعی در معنای عام بروز می‌کنند (مانند سیل، زلزله و...) شدیدتر می‌شود. بر این اساس به‌نظر برخی حقوقدانان، راه‌حل مناسب ایجاد حس تعاون در افراد جامعه است (همان)، والا عدالت توزیعی مفهومی است که در خسارات قابلیت اجرایی ندارد و صرفاً باید در مورد حقوق و امکانات جامعه مورد استناد قرار گیرد. با این همه به‌نظر می‌رسد قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری از رویکرد اجتماعی کردن خطرات متأثر شده است.

به‌هرحال، طبق اصل جبران خسارت، جبران باید مساوی با زیان باشد و جز در مواردی که قانون یا قرارداد بیمه تحدیدی پیش‌بینی کند، ضرورت دارد که خسارت پرداختی کامل باشد. چنانچه در بیمه‌های زیان اصل این است که جبران کامل خسارات وارده بر یک شیء به‌وسیله پرداخت هزینه‌های بازسازی آن به حالت نخستین تأمین شود یا اگر مورد اخیر میسر نباشد خسارت کامل از طریق پرداخت مبلغی صورت می‌پذیرد که معادل ارزش شیء آسیب‌دیده باشد.

۵. ضرورت توجه به بُعد اثباتی اصل جبران خسارت

اصل جبران خسارت دارای دو بُعد اثباتی و منفی است که بر مبنای بُعد اثباتی، تمام ضرر وارده باید جبران شود و بر مبنای بُعد منفی، هیچ زیان‌دیده‌ای نباید از فعل زیانبار یا حادثه بیمه شده سود ببرد و وضعیت او بهتر از وضعیت زمان عدم وقوع حادثه شود. آنچه در روابط بیمه‌گر و بیمه‌گذار باید مورد توجه قرار گیرد بُعد اثباتی است، مگر اینکه بیمه‌گر خلاف آن را ثابت کند. لذا خسارت زیان‌دیده مستقل از شدت تقصیر مسئول حادثه لحاظ می‌شود و تقصیر که مهمترین رکن در حوزه مسئولیت مدنی است و از سویی به سبک و سنگین تقسیم

می‌شود، نباید مورد توجه قرار گیرد مگر اینکه بیمه‌گر به آن استناد کند. بنابراین نقش تقصیر در حقوق بیمه کم‌رنگ شده و عامل سببیت بین خطر وقوع حادثه و زیان ایجاد شده، ملاک اصلی است و درجه تقصیر مسئول حادثه هیچ تأثیری بر غرامت پرداختی ندارد.

بنابراین اگر عامل زیان تنها مرتکب تقصیر سبک شده و یا حتی در برخی موارد هیچ تقصیری را مرتکب نشده باشد بازهم بیمه‌گر موظف به جبران کامل خسارت وارده است زیرا جبران باید به گونه‌ای باشند که غرامت همه خسارات وارد شده را شامل شود. هدف در این بُعد از اصل جبران خسارت، ایجاد دوباره تعادلی می‌باشد که به واسطه حادثه زیانبار از بین رفته است. از این رو تلاش می‌شود که اول در ارزیابی خسارات، همه زیان تحمیل شده بر زیان دیده لحاظ گردد، زبانی بدون جبران نماند و در به کارگیری اصل جبران خسارت بیمه‌گر حق ندارد خسارتی کمتر از زیان اثبات شده را به بیمه‌گذار پردازد.

دوم اینکه بیمه‌گر هیچ نقشی در تحدید یا تعدیل مبلغ خسارت ندارد مگر اینکه بر مبنای توافق با بیمه‌گذار این امر جزء شروط قراردادی باشد. لذا مبلغی که باید به عنوان جبران، تأدیه گردد، باید به گونه‌ای دقیق با زیان ایجاد شده در پی وقوع حادثه زیانبار منطبق باشد. در واقع، بیمه‌گر باید همه زیان را به استناد بعد اثباتی اصل جبران خسارت جبران کند، زیرا تعادل میان ضرر وارده و خسارت پرداخت شده هم عادلانه و اخلاقی و هم از لحاظ اقتصادی کارآمد می‌باشد. عادلانه است زیرا بیمه‌گر نباید افزون‌بر زبانی که وارد آمده است ملزم به جبران شود. اخلاقی است از آن جهت که زیان دیده (بیمه‌گذار) سزاوار نیست که از زیان منتفع شود و در غیر این صورت مصداق اکل مال بالباطل خواهد بود. از لحاظ اقتصادی نیز کارآمد است زیرا به دلیل اعتماد بیمه‌گذاران باعث رونق و شکوفایی صنعت بیمه می‌شود و از سوی دیگر در توسعه و پیشرفت صنعت و اقتصاد کشور از طریق انجام و قبول فعالیت‌های پررشد نقش دارد. به طوری که اگر فعالیتی بدون پشتوانه بیمه، از واهمه ضرر و عدم سوددهی امکان انجام نیابد با انعقاد قرارداد بیمه و به پشتوانه جبران کامل خسارت انجام خواهد شد.

افزون‌بر این، اختلاف طرفین قرارداد بیمه (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) تا زمانی که خلاف آن احراز نشود باید در پرتو این جنبه از اصل جبران خسارت حل و فصل گردد.

از آنجا که احراز خسارت برای الزام بیمه‌گر به جبران خسارت کافی است. بنابراین اثبات هر ادعایی که بُعد منفی اصل جبران خسارت را اعمال کند با بیمه‌گر است. به عبارت دیگر،

هرگاه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار در مورد جبران یا عدم جبران خسارت اختلاف به وجود بیاید، با احراز خسارت، این بیمه‌گر است که باید به‌عنوان متعهد، جبران خسارت بیمه‌گذار را ثابت کند. به همین ترتیب در صورتی که دلایل موجود در پرونده دارای دلیل اثباتی برابر و در عین حال معارضی باشند، دادگاه رسیدگی‌کننده مکلف است با تکیه بر اصل جبران خسارت، که موافق با اصل استحساب نیز هست، حکم خود را به نفع بیمه‌گذار صادر کند (صفیان، ۱۳۸۵: ۳۰).

پس در هر مورد که بیمه‌گذار به استناد قرارداد بیمه از بیمه‌گر مطالبه خسارت کند موظف است ورود خسارت را اثبات کند چون اجرای تعهد بیمه‌گر در قرارداد بیمه خسارت، مشروط به وقوع حادثه زیانبار است که همچون سایر دعاوی بار اثبات آن به‌عهده خواهان (بیمه‌گذار) است (ایزدینپناه، ۱۳۶۸-۱۳۶۷: ۸۵). لذا دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مورخ ژوئیه ۱۹۸۹ این‌گونه اظهار نظر کرد که چون بیمه‌گذار در دعوی مطالبه خسارت از شرکت بیمه باید محتوای تعهد بیمه‌گر را، که به او حق مطالبه خسارت می‌دهد، اثبات کند، هرگاه دلایل کافی در این خصوص نداشته باشد باید محکوم شود و بیمه‌گر نیز که خواهان استرداد بخشی از خساراتی است که قبل از بررسی تحقیق مسئولیت خود پرداخته، اگر نتواند دلیل ذی‌حقی خود را برای استرداد بیاورد محکوم خواهد شد (صفیان، ۱۳۸۵: ۳۴).

از این رو، برخی معتقدند هر چند مسئولیت مدنی با ورود ضرر تحقق پیدا می‌کند، پیش از مطالبه زیان دیده، مسئولیت چهره عینی و واقعی ندارد پس ورود ضرر، دین بیمه‌گر را ایجاد می‌کند، ولی الزام او به تأدیه منوط به مطالبه خسارت است (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۷: ۵۷). علاوه بر این، برای آنکه بیمه‌گر ملزم به جبران خسارت باشد باید پرداخت خسارت مربوط به این مسئولیت، داخل در تعهد بیمه‌گر باشد (همان: ۵۶). ممکن است بیمه‌گر تعهد خود را به میزان معینی محدود یا نوع خاصی از زیان‌هایی همچون خسارت معنوی یا عدم‌النفع را استثنا یا محل وقوع حادثه را مشخص کند. برای مثال در بیمه‌نامه پزشک، جبران خسارت ناشی از انجام بیهوشی در خارج از محل بیمارستان از شمول تضمین بیمه‌ای مستثنا می‌شود. بنابراین در صورتی که شرایط تحقق تضمین بیمه‌گر فراهم نباشد یا زیان در زمره استثنای آمده باشد، فرد بیمه‌گر تعهدی ندارد.

بحثی که خالی از فایده نیست این است که اگر مفاد توافق بیمه‌گر و بیمه‌گذار این باشد که چنانچه بیمه‌گذار به شخص ثالث آسیب برساند، بیمه‌گر به شرطی خسارت را جبران

می‌کند که بیمه‌گذار خسارت زیان‌دیده را پرداخت کرده باشد یا به همان میزانی که بیمه‌گذار خسارت شخص ثالث را جبران کند. برای مثال در قرارداد بیمه مالک پمپ بنزینی که مسئولیت خود را در قبال زیان ناشی از آتش‌سوزی در برابر اشخاص ثالث بیمه کرده، شرط شد که بیمه‌گر به شرطی متعهد است که بیمه‌گذار خسارت زیان‌دیده را جبران کرده باشد. در اینکه موضوع بیمه موصوف، اموال است یا مسئولیت، حکم قضیه و شرط مذکور متفاوت خواهد بود. چرا چنین توافقی در بیمه‌های اموال به حکم اصل آزادی قراردادی (ماده (۱۰) ق.م.) معتبر است حال آنکه موضوع آن به دلیل ارتباط با ضرورت حق مستقیم ثالث در بیمه مسئولیت و ارتباط این حق با نظم عمومی، از قلمرو بیمه مسئولیت خارج است (همان: ۲۳).

درواقع در اینجا بحث بر سر توصیف قرارداد است. اگرچه در بیمه‌های مسئولیت، زیان‌دیده حق طرح دعوی علیه بیمه‌گر را دارد و شرط مخالف آن هم ممنوع است، اما اگر قرارداد طرفین به بیمه اموال توصیف شود نه بیمه مسئولیت، سخن از دعوی مستقیم زیان‌دیده از اصل منتفی خواهد بود. پس اگر در بیمه‌نامه شرط شده باشد که بیمه‌گر تنها در صورت پرداخت خسارت از ناحیه بیمه‌گذار، متعهد به جبران خسارت می‌باشد، روشن است که قرارداد طرفین، بیمه مسئولیت محسوب نمی‌شود. در حقوق کامن‌لا، چنین توافقی معتبر است؛ چنانکه در انگلیس قانون حقوق اشخاص ثالث علیه بیمه‌گران^۱ به اشخاص ثالث زیان‌دیده تحت شرایطی و به قائم‌مقامی از بیمه‌گذار حق طرح دعوی علیه بیمه‌گر مسئولیت را اعطا کرده است. باین حال مجلس عوام بارها در فرض روبه‌رو شدن با شرطی که بیمه‌گر را تنها در صورت پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گذار به قربانی، مسئول می‌داند، چنین شرطی را معتبر دانسته و به شخص ثالث اجازه طرح دعوی نداده است. در دعوی فانتی علیه پادر آیسلند^۲ در سال ۱۹۹۰، مجلس عوام دلیل خود را در اعتبار دادن به چنین شرطی این‌گونه بیان کرده است: «تا زمانی که بیمه‌گذار خسارت وارده بر قربانی را جبرانی نکرده است، شخص او هیچ حقی در برابر بیمه‌گر ندارد تا زیان‌دیده بتواند به قائم‌مقامی از او و با استفاده از قانون آن را اعمال کند» (Hodgin, 2002: 710). به‌هر حال چنین شرطی در بیمه اموال معتبر ولی در بیمه مسئولیت سبب صدمات جسمی ثالث غیرمعتبر است

1. Third Parties Rights Against Insurers Act

2. The Fanti V. The Padre Island

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در عقد بیمه به‌خصوص بیمه خسارت، جبران خسارت واقعی زیان‌دیده است. در واقع ترمیم‌کنندگی و برگرداندن وضعیت نخستین و اعاده روابط مختل شده به حالت عادی و قبل از روی دادن حادثه، فلسفه وجودی عقد بیمه را شکل می‌دهد. کارکردهای بیمه در تحقق جبران خسارت باعث تأثیرات مثبتی زیادی در صحنه اقتصادی کشورها شده است. به‌طوری که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی خود را بی‌نیاز از آن نمی‌بیند، بلکه در پاره‌ای از امور این امر توسط دولت‌ها اجباری شده است (همانند بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث)، اما از طرف دیگر، پوشش چنین بیمه‌ای نباید به افزایش دارایی زیان‌دیده منجر شود و نسبت به قبل از روی دادن حادثه، او را در موقعیتی بهتر قرار دهد. در غیر این صورت قرارداد بیمه، منبع سودجویی بیمه‌گذار و در نتیجه موجب فساد، مشوق ایجاد خسارت‌های عمدی رواج بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و مصداقی از اکل مال بالباطل می‌شود. این مطلب بیانگر اصلی بنیادین، رایج و قدیمی در حقوق بیمه است که به «اصل جبران خسارت» یا «اصل غرامت» یا «اصل زیان» معروف است. در مقام پاسخ به این پرسش اصلی و بنیادین در خصوص نقش اصل جبران خسارت در قراردادهای بیمه و وجوه تمایز آن با جبران خسارت مدنی این نتیجه به‌دست آمد که اصل جبران خسارت در بیمه‌های خسارت نقش موضوعی و آمره دارد. از طرف دیگر هرچند اصل جبران خسارت در حقوق بیمه متأثر از جبران خسارت مدنی است، اما در بیمه‌های خسارت منبع الزام به جبران خسارت مفاد قرارداد و قلمرو خسارت قابل جبران آن گسترده‌تر بوده و شامل زیان وارده بر بیمه‌گذار در نتیجه عمل غیرعمدی او و حوادث قهری نیز می‌باشد. چرا که عمدتاً اصل جبران خسارت در حقوق بیمه مبتنی بر تعهد قراردادی و در راستای قرارداد بیمه منعقد شده بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است و در آن بیمه‌گر درصدد ایفای تعهد خود می‌باشد، لکن در مسئولیت مدنی بر مبنای مسئولیت غیرقراردادی و ضمان قهری و ناشی از اعمال قانون است.

به‌هر حال پیشنهاد می‌شود که در کنار مزایای قانون بیمه سال ۱۳۱۶ که به نیاز گسترده‌ای از صنعت بیمه پاسخ داده است، در تدوین قوانین جدید مربوط به بیمه موارد ذیل مدنظر قانونگذار قرار گیرد:

۱. خسارت عبارت است از هرگونه کاستی و نقصانی که در نتیجه وقوع خطر بیمه‌ای به موضوع بیمه وارد شده است.
 ۲. خسارت وارد شده بر بیمه شده عبارت است از تفاوت قیمت موضوع بیمه قبل و بعد از وقوع حادثه، لذا بیمه‌گر می‌تواند افزایش احتمالی قیمت مورد معامله را در زمان انعقاد عقد بیمه پیش‌بینی و بر مبنای آن حق بیمه دریافت کند.
 ۳. نقش موضوعی وجود اصل جبران خسارت در بیمه‌های خسارت مورد تصریح قرار گیرد و تعریفی از آن ارائه شود.
 ۴. لزوم جبران خسارت واقعی به‌عنوان یکی از آثار اصل جبران خسارت نسبت به بیمه‌گر تصریح گردد.
 ۵. توافق برخلاف اصل جبران خسارت به‌عنوان یکی از اصول آمره حقوق بیمه، باطل و بلااثر اعلام شود.
- باین حال احیای لایحه بیمه تجاری، با توجه به نقاط قوتی که دارد می‌تواند در حدودی راهگشای این پیشنهادها باشد.

منابع و مأخذ

۱. اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷). نظریه خسارت، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. ایزدپناه، مسیح. «جزوه درس حقوق بیمه»، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۶۸.
۳. بابایی، ایرج (۱۳۸۰). «مسئولیت مدنی و بیمه»، مجله پژوهش و سیاست، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۴.
۴. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. _____ (۱۳۸۳). «هدف مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۶.
۶. باریکولو، علیرضا (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۷. _____ «جزوه تفریبات مسئولیت مدنی دوره دکتری»، پردیس قم دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹.
۸. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۷). حقوق مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات مجد.
۹. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۰). «نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارت قراردادی و تأخیر تأدیه»، مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی قم، سال سوم، ش ۹.
۱۰. صفیان، سعید (۱۳۸۵). «اصل جبران خسارت و نقش آن در دعاوی بیمه‌ای»، ماهنامه دادرسی، سال دهم، ش ۶۰.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاتوزیان، ناصر و محسن ایزانلو (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی (بیمه مسئولیت مدنی)، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. کریمی، آیت (۱۳۷۷). بیمه اموال و مسئولیت، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشکده امور اقتصادی.
۱۴. محمودصالحی، جانعلی (۱۳۴۶). «مفهوم خسارت در بیمه»، مجله بیمه، ش ۲۵.
۱۵. _____ (۱۳۸۸). حقوق بیمه، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده بیمه.
۱۶. معین، محمد. فرهنگ معین، ج ۲.
۱۷. نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۱۸ق). منیه الطالب، جلد سوم، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

18. Birds, J. and N. J. Hird (2001). *Bird's Modern Insurance Law*, 5th ed., London, Publishing Ltd.

19. _____ (2001). *Bird's Modern Insurance Law*, 5th ed., London.

20. Campell Black, Henry M. A. (1979). *Black's Law Dictionary*, 5th ed., New York, West PUB.co.

21. Cane, P. (1996). *Tort law and Economic Interests*, 2nd ed., Oxford, Clarendon Press.

22. Clarke, Malcolm (1997). *Policies and Perceptions of Insurance Law in the Twenty-first Century*, First Published, New York, Oxford University Press Inc.
23. Colin, A. and H. Capitan (1935). *Course Elementaire de Droit Cvile Francois*, 2nd ed., Paris, Par Morandiere.
24. European Center of Tort and Insurance Law (2005). *Tort and Insurance Law*, Vol. 16, New York, Springer Wien.
25. Hagen, Otto (1922). "Das Versicherungsrecht", *Leipzig*, Paris, Dalloz, Vol. 86.
26. Hodges, Susan (1999). *Case and Materials on Marine Insurance Law*, London, Cavendish Publishing Limited.
27. Hodgin, Ray (2002). *Insurance Law, Text and Materials*, 2nd ed., London, Cavendish Publishing Ltd.
28. Lambert- Faivre, Yvone (1998). *Droit des Assurances*, Paris, Dalloz.
29. Marden, Stuart M. (2005). *Exploring Tort Law*, New York, Cambridge University Press.
30. Mazeaud, Henri (1985). *ET Le'on, par Francois Chabas*, Lecons de Proit Civil, T.1, Spetime ed., Paris.
31. Ripper, George and Jean Boulanger (1948). *Lere'gime De'mocratique et le De Droit Civil Modern*, Deuxieme ed., Paris.
32. Treitel, G. H. (1995). *The Law of Contract*, 9th ed., London, Sweet and Maxwell.
33. Tunce, Andre (1971). *International Encyclopedia of Comparative Law*, Vol. XI, Torts, Ch. 11, London.
34. Tunce, Andre (1988). "Towards a European Civil Cod", *Kluwer Law International*, Second Revised and Expanded, London.